

الگوی مردم‌سالاری دینی در موج جدید بیداری

محمد ملک‌زاده



سیاسی

اشاره:

وقوع انقلاب اسلامی در ایران، سرآغاز موج بیداری اسلامی در دوره معاصر به شمار می‌آید. امروزه این موج پس از ۳۳ سال کشورهای خاورمیانه‌ای را دربر گرفته و طنین آن در کشورهای غیر اسلامی نیز به صدا درآمده است. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، به‌رغم تبلیغات فریبنده غربی، نگاه‌های ناسیونالیستی و قومیت‌گرایی رنگ باخت و بازگشت به اسلام و هویت دینی در سایه سکوت و خفقان سران خائن وابسته عربی در بین ملت‌ها و توده‌های امت اسلامی طنین‌انداز گردید. خیزش‌های مردمی اخیر در کشورهای عربی با شعار الله‌اکبر، نشان از بلوغ جوانان و خروش مردمی است که دیگر تاب تحقیر دین و سنت‌های الهی خود را ندارند و عزت خویش را در سایه اسلام جستجو می‌کنند. در این نوشتار نگارنده مدعی است که الگوی اصیل موج جدید بیداری در منطقه، همان الگوی نظام جمهوری اسلامی؛ یعنی مردم‌سالاری دینی می‌باشد.



مقدمه

چنانچه بپذیریم ریشه‌های موج جدید بیداری در منطقه از الگوی نظام جمهوری اسلامی یعنی نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی نشأت گرفته است، در این صورت باید به این پرسش پاسخ دهیم چگونه ممکن است نظامی که در رأس آن ولایت مطلقه فقیه قرار دارد، الگوی نظام‌های غیرشیعی قرار گرفته و امکان تحقق در مصر و تونس و دیگر کشورهای سنی‌نشین پیدا کند؟

این سؤال ناشی از این ذهنیت است که آنچه تحت عنوان «نظام مردم‌سالاری دینی» بیش از سه دهه است که در جمهوری اسلامی تحقق یافته، مدلی شیعی از حکومت است و در این صورت در جوامع اهل سنت امکان تحقق آن وجود ندارد، اما جهت بررسی این موضوع و به منظور پاسخ به سؤال فوق لازم است ضمن توجه به ویژگی‌های این موج جدید بیداری در منطقه، امکان تحقق نظام مردم‌سالاری دینی در جوامع اسلامی (اعم از شیعه و سنی) را مورد بررسی قرار دهیم.

سرآغاز دور جدید بیداری در منطقه

موج جدید بیداری با قیام علیه حکومت خودکامه و دیکتاتوری «بن علی» در تونس آغاز شد. هنوز تحلیل‌گران سیاسی به روشنی دلایل سرنگونی دیکتاتور وابسته به غرب را در تونس به طور دقیق رصد نکرده بودند که در هم شکستن ساختار سیاسی مصر و سرنگونی رئیس‌جمهور وابسته به غرب توسط مردم این کشور، انقلاب‌های مردمی منطقه شمال آفریقا و جنوب غربی آسیا را وارد مرحله‌ای جدید کرد. این بیداری که سرعت زیادش در سرایت به سایر مناطق، ناظران سیاسی را به شگفتی واداشته بود، نه تنها در مصر و تونس متوقف نماند؛ بلکه پیروزی‌های اولیه قیام مردمی در

این دو کشور بر حکومت‌های وابسته و دیکتاتور باعث شد تا دیگر کشورهای عربی و اسلامی در این منطقه با روحیه‌ای مضاعف در راستای تحقق خواست‌ها و آرمان‌های ملت‌های اسلامی علیه استبداد و استعمار تلاش کنند.

این تلاش‌های آرمان‌خواهانه به سرعت به کشورهای لیبی، یمن، بحرین و سایر مناطق راه یافت و تغییرات جدی در معادلات سیاسی، ساخت قدرت و نهادهای مؤثر بر سیاست در این جوامع به وجود آورد. نکته قابل توجه در این میان آن است که مولفه‌های بنیانی این بیداری در این کشورها علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری با یکدیگر، از چنان همسانی برخوردار هستند که گویی از یک منشأ سرچشمه می‌گیرند؛ منشأیی که حوادث اخیر را به انقلاب اسلامی ۵۷ در ایران پیوند می‌دهد.

ویژگی‌های مشترک موج جدید بیداری در منطقه

۱. رویکرد اسلامی

کشورهای منطقه که موج بیداری در آنها به راه افتاده، همچون کشور ایران دارای سابقه کهن دینی و تمدن اسلامی است. این کشورها از مردم مسلمانی تشکیل یافته که تعلق خاطر شدید آنها به اسلام و قوانین این دین آسمانی قابل انکار نیست. از ویژگی‌های مشترک حاکمان این کشورها، وابستگی به استبداد و مبارزه با اسلام‌گرایی مردم این کشورها بود. اتخاذ رویکردهای سکولار در نحوه اداره جامعه، قلع و قمع مبارزان مسلمان، برقراری رابطه با دشمنان اصلی مسلمانان یعنی آمریکا و اسرائیل و ممانعت از اجرای برخی واجبات اسلامی نظیر حجاب؛ نمونه‌های آشکاری از اراده اسلام‌ستیزی حکمرانان و ساختار سیاسی این کشورها در طی سالیان متمادی حکومت بر این کشورها بود. این اسلام‌ستیزی و



سران استکبار با هدف تضعیف جوامع اسلامی در برابر بیگانگان در این جوامع به راه انداخته‌اند، بیش از هر زمان دیگر در حال افول است.

به فرموده رهبر معظم انقلاب، ما اطمینان داریم اگر به دنبال این نهضت عظیم در کشورهای اسلامی، انتخابات آزادی برگزار شود، به یقین همان نتیجه‌ای رقم خواهد خورد که در تونس اتفاق افتاد. بی‌تردید پیروزی اسلام‌گرایان هرگز مورد پسند استبداد و استکبار نیست و از این‌رو همواره آن را تهدیدی برای خود فرض نموده‌اند؛ اما مردم مسلمان و انقلابی به خواسته و نظر بیگانگان که برای سالیان دراز مهره‌های دست‌نشانده و مستبد را در جوامع اسلامی زیر بال و پر خود گرفته‌اند، توجهی نخواهند داشت. (بخشی از پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج در سال ۱۳۹۰).

۳. حضور گسترده مردمی

حاکمان کشورهای منطقه همچون رژیم پهلوی در ایران به علت نداشتن پایگاه مردمی، رویکرد وابستگی به غرب به ویژه آمریکا را دنبال می‌کردند. در میان ساختار سیاسی این کشورها، وابستگی به نظام سلطه به ویژه آمریکا امری مشترک بود. به دلیل ذات وابسته بودن حاکمان این کشورها به ابرقدرت‌ها، مردم در تعیین سرنوشت و پیگیری منافع ملی خود از کمترین میزان تأثیرگذاری بر ساخت قدرت برخوردار نبودند. عدم مشارکت مردم در ساخت سیاسی قدرت، باعث شکل‌گیری یکی از پایه‌های اصلی این انقلاب‌ها شد و مردم برای اولین بار، تأثیرگذاری خود را بر ساخت قدرت سیاسی کشورهای خویش مشاهده کردند؛ لذا سرنوشت حکومت‌های وابسته به غرب در این منطقه استراتژیک به وسیله حضور مردم در صحنه، باعث گشوده شدن فصل جدیدی از مشارکت سیاسی مردم و تعیین سرنوشت خود در این کشورها شد.

استفاده فراگیر مردم از شعارهای اسلامی مانند شعار «الله‌اکبر» در راهپیمایی‌ها، استفاده از پایگاه نماز جمعه در راه‌اندازی تظاهرات گسترده علیه نظام‌های حاکم، درخواست برای مبارزه با دشمن مشترک مسلمانان در منطقه (اسرائیل) و پیروزی اسلام‌گرایان بعد از سرنوشتی دیکتاتورها؛ همگی حاکی از سیطره روح اسلام‌خواهی و حضور پررنگ تفکرات اسلامی در شکل‌گیری مبارزات این کشورهاست.

سرکوب اعتقادات مذهبی مردم مسلمان کشورها، باعث شکل‌گیری ریشه‌های عدم مشروعیت این نظام‌ها و مقابله مردم با نظام حاکم شد. استفاده فراگیر مردم از شعارهای اسلامی مانند شعار «الله‌اکبر» در راهپیمایی‌ها، استفاده از پایگاه نماز جمعه در راه‌اندازی تظاهرات گسترده علیه نظام‌های حاکم، درخواست برای مبارزه با دشمن مشترک مسلمانان در منطقه (اسرائیل) و پیروزی اسلام‌گرایان بعد از سرنوشتی دیکتاتورها؛ همگی حاکی از سیطره روح اسلام‌خواهی و حضور پررنگ تفکرات اسلامی در شکل‌گیری مبارزات این کشورهاست.

۲. افول سکولاریسم

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۵۷، به راه افتادن موج جدید بیداری در منطقه نشانه دیگری بر شکست توطئه سران استکبار در مبارزه با نهضت اسلامی است. به‌رغم تلاش‌های گسترده و پی‌گیر سران استکبار و حامیان سکولار در راستای دین‌زدایی، امروز شاهدیم که اسلام عزیز با نفوذ و حضور نمایان و شکوه بی‌سابقه‌ای به مسیر خود ادامه می‌دهد. موج اسلام‌گرایی در غرب و اروپا علی‌رغم برنامه‌های هماهنگ اسلام‌ستیزانه قدرت‌های غربی و رسانه‌های وابسته به آنان، تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی را به تعجب واداشته و این همه نشان می‌دهد موج سکولاریسم که

۴. بیداری نسل جوان

به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت قدرت‌های جهانی برای به‌ابتدال کشاندن نیروهای جوان در جوامع مختلف به‌ویژه جوامع اسلامی، شاهد تبلور بیداری اسلامی در میان جوانان مسلمان و هدایت این نهضت عظیم توسط آنان هستیم. امروز تاریخ شاهد آن است که از دل ملت‌های ستمدیده و جوامع عقب‌نگه‌داشته شده‌ای که طی سالیان طولانی در سیطره قدرت‌های متجاوز و سلطه‌گر قرار داشتند، جوانانی پرشور، انقلابی و متعهد به آموزه‌های دینی سر برآورده و با اعتماد به نفس تحسین‌برانگیز، به استقبال خطر رفته و با قدرت‌های سلطه‌گر به رویارویی برخاسته‌اند، چرا که اینان از فدا شدن در راه اهداف و آرمان‌های بلند خویش ابایی ندارند. قیام امروز جوانان انقلابی، تبلور خشم فروخورده‌ای است که طی سالیان دراز تحت ستم مهره‌های مستبد و دست‌نشانده محکوم به سکوت و تسلیم بودند.

۵. ضدیت با نظام سلطه

تسلط کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه از جمله ایران پیش از انقلاب، یکی از نقاط مشترکی است که در تمامی این کشورها مصداق مشخص و روشنی داشته و دارد. حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه و همبستگی آمریکا با این رژیم اشغالگر، عامل مهمی بود تا آمریکایی‌ها با نفوذ در ساختار سیاسی و امنیتی این کشورها برای جلوگیری از رشد عناصر ضد صهیونیستی و تقویت جریان‌ات سازش‌گر در میان حاکمان این کشورها تلاش نمایند، اما اراده‌های قوی مردمی مبنی بر مبارزه با رژیم صهیونیستی در وقایع اخیر، میزان ضدیت مردم با نظام سلطه و سیاست‌های تحمیلی آنان را نشان داد.

بنابراین سقوط دولت‌های متحد غربی در این منطقه استراتژیک باعث شد تا جریان نظام سلطه، متحدان قدرتمند و قدیمی خود را از دست بدهد. اقداماتی نظیر بازگشایی گذرگاه رفح، تظاهرات علیه رژیم اسرائیل در مصر، فشار برای قطع گاز ارسالی از مصر به اسرائیل و تظاهرات گسترده روز نکبت علیه اسرائیل بعد از شکل‌گیری نهضت مردمی در مصر؛ همگی حکایت از ضد نظام سلطه بودن این قیام‌ها دارد.

بدین ترتیب بیداری اسلامی در کشورهای منطقه به‌رغم تفاوت‌های ظاهری این کشورها، دارای نقاط مشترک بسیاری با یکدیگر و نیز با انقلاب اسلامی ایران است که استمرار آن در مسیر تحولات این کشورها باعث می‌شود مسیر رسیدن ملت‌های منطقه به آرمان‌های بلند اسلامی بسیار کوتاه‌تر شده و مردم این کشورها بتوانند با در دست گرفتن سرنوشت خود، مسیر عزت و سربلندی را بپیمایند.

نظریه «مردم سالاری دینی» هدیه‌ای ارزشمند از سوی ملت مسلمان ایران است که تحقق عملی آن در قالب نظام مقدس جمهوری اسلامی و مقاومت ۳۳ ساله این نظام در برابر استکبار جهانی و رسیدن به مرزهای استقلال و خودکفایی همه‌جانبه، الگویی عینی است که می‌تواند مسلمانان منطقه را در «بازگشت به اسلام» و شکل‌گیری «حکومت اسلامی» مصمم سازد.



امکان تحقق نظام مردم‌سالاری دینی در جوامع اسلامی

با آغاز بیداری اسلامی و سقوط پی‌درپی دیکتاتورها و دست‌نشانده‌های استکبار جهانی در تونس، مصر و لیبی؛ موجی از ایمان و امید سراسر دنیای اسلام را فرا گرفت. اکنون موج بیداری اسلامی می‌رود تا دیگر مرزهای جهان اسلام را نیز درنوردد و انقلابی که سه دهه پیش بساط استبداد و استعمار را از ایران اسلامی برچیده بود، در سراسر کشورهای اسلامی تکرار کند. اما آنچه امروز به ضرورتی غیرقابل اغماض در این حرکت‌ها بدل گردیده، نظام سیاسی جایگزینی است که بتواند تأمین‌کننده عزت و اقتدار ملت‌های مسلمان منطقه در دوران غلبه مکاتب سیاسی غرب

بوده و نویدبخش و تضمین‌کننده استقلال و آزادی و سرفرازی مادی و معنوی ایشان باشد.

مقام معظم رهبری در جمع خبرنگاران ملت با تأکید بر این نکته که احتمال بازگشت دیکتاتوری با اشکال جدید و یا حاکمیت الگوهای غربی در این کشورها وجود دارد، از مدل «نظام مردم سالاری دینی» به عنوان بهترین الگوی جایگزین یاد نمودند که می‌تواند خلأ تئوریک این جوامع را پاسخگو باشد: «آن چیزی که اینجا می‌تواند به این کشورها کمک کند، تفکر مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی که ابتکار امام بزرگوار ماست، می‌تواند نسخه‌ای برای همه این کشورها باشد؛ هم مردم‌سالاری است، هم از متن دین برخاسته است.»

اما اکنون جای پاسخ به این سؤال است که آنچه تحت عنوان «نظام مردم‌سالاری دینی» بیش از سه دهه است که در جمهوری اسلامی تحقق یافته، مدلی شعبی از حکومت است که شاید در جوامع اهل سنت امکان تحقق آن وجود نداشته باشد. به عبارتی صریح‌تر، نظامی که در رأس آن ولایت مطلقه فقیه قرار دارد، چگونه ممکن است که در مصر و تونس و دیگر کشورهای سنی‌نشین شکل بگیرد؟

مقام معظم رهبری در پاسخ به این سؤال از ماهیت «نظام مردم‌سالاری دینی» چنین یاد می‌کنند:

«البته ممکن است فقهای اهل سنت - چه فقهای شافعی در مصر، چه مالکی‌ها در بعضی دیگر از کشورهای آن منطقه، چه حنفی‌ها در بعضی از کشورهای دیگر - معتقد به ولایت فقیه نباشند؛ خیلی خوب، ما نمی‌خواهیم حتماً مبنای فقهی خودمان را به آنها عرضه کنیم یا اصرار بورزیم؛ اما مردم‌سالاری دینی ممکن است شکل‌های گوناگونی پیدا کند. باید این مبنای مردم‌سالاری دینی را ما برای اینها تبیین کنیم، تفهیم کنیم؛ مثل هدیه‌ای در اختیارشان بگذاریم. مطمئناً این مردم، مردم‌سالاری دینی را خواهند پسندید. این کاری است که بر عهده ماست و بایستی انجام بگیرد تا دشمنان این ملت‌ها از خلأیی که به وجود آمده، استفاده نکنند. این خلأ را باید به وسیله اسلام پر کنند.»

واقعیت آن است که شاخصه‌های بنیادین این نظریه، بر اصول اساسی اسلام بنا نهاده شده که در مورد آن در بین همه مسلمین اتفاق نظر وجود دارد. با نگاهی اجمالی به بیانات پیشین رهبر معظم انقلاب به عنوان تئوریسین و نظریه‌پرداز بزرگ نظام مردم سالار دینی، برخی از مؤلفه‌های اصلی این نظریه که در جهان اسلام مشترک می‌باشد، به شرح زیر است:

۱. نظام مردم سالار دینی خاستگاه الهی داشته و مشروعیت خود را

از اسلام می‌گیرد.

۲. تدبیر امور جامعه مبتنی بر آموزه‌ها و رهنمودهای دین مبین اسلام و هدایت انوار قرآنی و احکام الهی است.

۳. حکومت؛ ابزاری است در خدمت ملت که وظیفه تأمین منافع مادی و سعادت معنوی همگانی جامعه را برعهده دارد.

۴. عموم توده‌های مردم در اداره امور کشور نقش داشته و حق عزل و نصب مسئولان مبتنی بر شاخصه‌های دینی با ملت است.

موارد فوق به عنوان مؤلفه‌های اصلی نظام مردم‌سالاری دینی و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و از اصول اولیه‌ای است که تمام مسلمین آن را پذیرفته و مورد تأکید قرار می‌دهند.

حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه و همبستگی آمریکا با این رژیم اشغالگر، عامل مهمی بود تا آمریکایی‌ها با نفوذ در ساختار سیاسی و امنیتی این کشورها برای جلوگیری از رشد عناصر ضد صهیونیستی و تقویت جریانات سازش‌گر در میان حاکمان این کشورها تلاش نمایند.

به این ترتیب نظریه «مردم سالاری دینی» هدیه‌ای ارزشمند از سوی ملت مسلمان ایران است که تحقق عملی آن در قالب نظام مقدس جمهوری اسلامی و مقاومت ۳۳ ساله این نظام در برابر استکبار جهانی و رسیدن به مرزهای استقلال و خودکفایی همه‌جانبه، الگویی عینی است که می‌تواند مسلمانان منطقه را در «بازگشت به اسلام» و شکل‌گیری «حکومت اسلامی» مصمم سازد.

ضرورت استمرار مبارزه تا پیروزی نهایی

خاورمیانه اسلامی اکنون با وجود دخالت‌ها و توطئه‌های شوم آمریکا و غرب، شکل جدیدی به خود گرفته و به رهبری ایران اسلامی به سمت جهانی شدن اسلام و آموزه‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی حرکت می‌کند. مقام معظم رهبری در توصیف این حرکت و وعده الهی به پیروزی آن، فرمودند:

حرکت جدیدی که در منطقه آغاز شده است، حرکت امت اسلامی و با سمت و سوی اهداف اسلامی است و این حرکت، طبق وعده الهی قطعاً به پیروزی خواهد رسید و سلسله شکست‌های آمریکا در منطقه ادامه پیدا خواهد کرد. (سخنان مقام معظم رهبری در نخستین روز سال جاری در جمع زائران حرم رضوی)

اما نکته قابل توجه در این رابطه آن است که تحقق این وعده الهی، نیازمند توجه به شرایطی است که در کلام رهبری به آن اشاره شده است. (رک؛ پیام مقام معظم رهبری به کنگره عظیم حج در سال جاری)



مقام معظم رهبری در جمع خبرنگاران ملت با تأکید بر این نکته که احتمال بازگشت دیکتاتوری با اشکال جدید و یا حاکمیت الگوهای غربی در این کشورها وجود دارد، از مدل «نظام مردم سالاری دینی» به عنوان بهترین الگوی جایگزین یاد نمودند که می‌تواند خلا تئوریک این جوامع را پاسخگو باشد.

استبدادی در جوامع اسلامی تأسیس می‌گردد، یک نظام و حکومت دینی و ملهم از آموزه‌های وحیانی شریعت اسلام نباشد. از این رو رهبر معظم انقلاب در این پیام بسیار مهم بر حفظ دو عنصر «اسلامیت» و «مردمی بودن» نهضت تأکید نموده و آن را لازمه اقتدار آن دانستند؛ اقتداری که با وحدت و همدلی امت‌های اسلامی تحقق خواهد یافت و امواج پرخروشش کاخ‌های ظلم و استبداد و استکبار را فرو خواهد ریخت.

سخن پایانی

واقعیت این است که خیزش عظیم «بیداری اسلامی» که لرزه بر اندام آمریکا و رژیم صهیونیستی انداخته و حکام دیکتاتور عرب را به وحشت افکنده است؛ نتیجه مبارزات جبهه مقاومت اسلامی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها و سناریوهای شیطانی جبهه استکبار جهانی به رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی است. امروزه در سراسر کشورهای منطقه، ندای اسلام‌خواهی و مبارزات اسلامی مردم مسلمان این کشورها به‌وضوح شنیده می‌شود. سقوط پی‌درپی دیکتاتورهای غرب‌گرای خاورمیانه، نتیجه مستقیم مبارزات و نهضت‌های اسلامی در منطقه محسوب می‌گردد. امواج نیرومند «بیداری اسلامی»، کشورهای منطقه را یکی پس از دیگری در بر گرفته و نوید تشکیل حکومت‌های اسلامی را می‌دهد و می‌رود توفان این امواج نیرومند حکومت‌های غرب‌گرا، وابسته و ضد‌مذهب این کشورها را به تندی در نوردیده و سرنوشت حاکمان آن‌ها را تغییر دهد.

در این بین، ایران اسلامی، قلب تپنده «بیداری اسلامی»، مرکز این جریان است و در واقع به عنوان نخستین مظهر بیداری اسلامی در تاریخ معاصر محسوب می‌گردد. انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ و سقوط مهم‌ترین متحد منطقه‌ای آمریکا، چنان ضربه مهلکی بر این کشور وارد آورد که سیاست‌های منطقه‌ای این کشور را با چالش‌هایی عظیم مواجه ساخته و خاورمیانه را به عرصه مبارزه با آمریکا تبدیل کرده است.

در طول سه دهه، انقلاب اسلامی، مهم‌ترین الهام‌بخش جنبش‌های رهایی‌بخش سراسر منطقه و دنیا بوده و صدور فرهنگ مقاومت و باور به پیروزی اسلام و جنبش‌های اسلام‌گرای منطقه‌ای و بین‌المللی، این کشور را به قلب تپنده دارالاسلام و مهد بیداری اسلامی تبدیل کرده است، اکنون به‌رغم توطئه‌های فراوان آمریکا و غرب، مشاهده می‌کنیم که امواج نیرومند انقلاب اسلامی، سراسر کشورهای منطقه را دربر گرفته است و می‌رود تا طومار ظلم و بی‌عدالتی را از سراسر عالم برچیند.

۱. تداوم استقامت و پایداری

شرط اساسی هر نهضت و انقلابی برای رسیدن به پیروزی، تداوم ایستادگی و پرهیز از سستی و تردید است. چنانچه انقلابیون از رسیدن به اهداف والای خود ناامید گردند و یا بر اثر تبلیغات مغرضان و قدرت‌طلبان از شور انقلابی خویش بکاهند و گرفتار سستی و ضعف گردند، چنین نهضتی هرگز قرین موفقیت نخواهد بود. لازمه پیروزی آن است که انقلابیون مجاهد و مسلمان به اندک دستاوردهای مقطعی دل خوش نکنند، اهداف و آرمان‌های عالی برای خود ترسیم کنند و تا رسیدن به قله پیروزی، با استقامت و پایداری، موانع پیش روی خویش را یکی پس از دیگری از سر راه بردارند؛ به ویژه این‌که امروز نشانه‌های ضعف استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی عیان گردیده و ناکامی آنان در عراق و افغانستان و مناطق مختلف جهان یکی پس از دیگری به اثبات رسیده است.

۲. هوشیاری در برابر استکبار

بی‌تردید قیام انقلابی ملت‌های مسلمان، مطلوب قدرت‌های استکباری و حامیان اصلی حاکمان مستبد در جوامع اسلامی نیست؛ از این رو با ابزارهای مختلف تطمیع و تهدید و یا فریب، سعی می‌کنند مسیر مبارزه را منحرف نمایند و البته آنان در این راه به انحراف خواص، بسیار دل بسته‌اند. تجربه تاریخی نیز ثابت نموده که در انقلاب‌ها و قیام‌های بزرگ، خواص همواره در معرض لغزش و انحراف قرار داشته‌اند. تاریخ صدر اسلام تجربه لغزش خواصی را که بر اثر گرفتار شدن به مال یا مقام و منصب دنیوی به ورطه هلاک افتاده‌اند، بسیار به خود دیده است و به‌راستی که شاید هیچ صدمه‌ای زیان‌بارتر از لغزش خواص در مسیر مبارزات انقلابی قابل توصیف نباشد. از این رو قدرت‌های مستکبر برنامه‌ریزی گسترده‌ای بر این موضوع تدارک دیده و به نتایج مطلوب آن در راستای اهداف خویش دل بسته‌اند. استکبار تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا نظام‌های سیاسی که بعد از فروپاشی نظام‌های

